خبر

سفیر سابق ایران در ارمنستان:
تغییر مرزهای بین‌المللی، خط قرمز ایران است

سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان با تأکید بر اینکه «به‌هیچ‌وجه اجازه حضور کشورهای ثالث را در منطقه قفقاز جنوبی را نخواهیم داد»، تأکید کرد: براساس سیاست خارجی مستقل خودمان اجازه تغییرات ژئوپلیتیک و خطوط بین‌المللی مرزی را به هیچ کشوری نخواهیم داد و این خط قرمز ایران است. سیدعلی سقائیان در گفت‌وگو با ایسنا درباره طرح مجدد ادعایی مبنی بر ایجاد و راه‌اندازی کریدور زنگزور گفت: این روزها طرح مجدد دالان زنگزور در محافل سیاسی منطقه‌ای مجددا و بعد از اینکه الهام علی‌اف تاریخ مشخصی را برای بازگشایی و راه‌اندازی آن تا بهار سال آینده اعلام کرد، مورد توجه قرار گرفته است. او تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران درباره مناقشه باکو و ایروان از ابتدای شروع این بحران نقش میانجیگر و کنترل‌کننده اوضاع را داشت؛ حتی به هر دو کشور در مواقع بحرانی کمک‌های انسانی و غذایی را ارائه داد، اما در گذشته نیز این موضوع دو بار از طرف حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور وقت آذربایجان، رسما در حضور وزرای خارجه وقت ایران یعنی دکتر ولایتی و دکتر خرازی اعلام شد. درحالی‌که اگر جمهوری اسلامی ایران نبود، مردم در نخجوان به‌سختی زندگی می‌کردند، چون فاقد سوخت و مواد غذایی بودند. این دیپلمات پیشین کشورمان همچنین بیان کرد: پس از جنگ ۲۰۲۰ که با بالاترین موضع‌گیری در سطح فرماندهی کل قوا مواجه بودیم که قره‌باغ متعلق به جمهوری آذربایجان بوده، ایران در این بحران و فروکش‌کردن آن پس از دو دوره جنگ‌های طولانی و حالت نه جنگ و نه صلح نیز نقش داشت. سقائیان افزود: این جمهوری اسلامی ایران بود که نقش مهم و تعیین‌کننده خود را در حل این معضل و مناقشه به اثبات رساند. از طرفی جمهوری اسلامی ایران بدون هیچ مانع و هزینه مالی کنارگذر ارس را برای تردد و رفت‌وآمد زمینی به نخجوان در اختیار باکو قرار داد. سفیر سابق کشورمان در ارمنستان در ادامه اظهار کرد: نکته درخور توجه این است که هرازگاهی موضوع این دالان از طرف برخی از کشورها و حتی خود باکو مطرح شده است، ضمن اینکه مردم نخجوان مشکل و محدودیتی ندارند، درعین‌حال که ایروان و باکو در آستانه امضای قرارداد صلح هستند. او ادامه داد: شاید به‌نوعی طرح این موضوع مانند یک میزان‌الحراره سیاسی باشد برای تست‌کردن حساسیت کشور جمهوری اسلامی ایران و خطوط قرمز خود در قفقاز جنوبی که به‌تازگی به بازیگران این سناریو سفیر آمریکا در ترکیه نیز اضافه شده که طرح بسیار عجیب‌وغریب اجاره صدساله این دالان و کریدور را مطرح کرده است. سقائیان همچنین خاطرنشان کرد: تنها کشوری که با منطقه قفقاز جنوبی درباره دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان مرز مشترک دارد، ایران است و ایران نیز بارها اعلام کرده تغییر خطوط بین‌المللی و مرزهای بین‌المللی را خط قرمز خود تلقی کرده و اجازه هیچ‌گونه تغییری در این زمینه نخواهد داد.

گزارش

روایت عراقچی از تماس‌ها، تهدیدها و ترورها

ادامه از صفحه ۲

او ادامه داد: «ما از انجام مذاکرات ضرر نکردیم بلکه بسیار نفع بردیم، چون حقانیت ما نزد مردم ایران و جامعه بین‌الملل اثبات شد». عراقچی افزود: «کسی نمی‌تواند ادعا کند که اگر مذاکره نمی‌کردیم جنگ نمی‌شد؛ حتما جنگ می‌شد، حتی ممکن بود زودتر شروع شود». وی درباره اتحاد مردم در زمان جنگ گفت: «مردم در زمان جنگ متحد و منسجم بودند، چون دیدند نظامشان برایشان همه کار کرده و کوتاهی نکرده که جلوی جنگ را بگیرد و پای مذاکره رفته، اما آن طرف اهل جنگ بوده است». عراقچی گفت: «منطق ما کاملا قوی بود و نشانه‌اش هم این است که بیش از ۱۲۰ کشور از ما حمایت کرده و حمله به ایران را محکوم کردند». عباس عراقچی در بازخوانی آنچه در رابطه با وعده صادق ۳ مطرح شده بود، گفت: «وقتی وعده صادق ۳ مطرح شد، در یکی از جلسات یکی از دوستان انتقادی کرد که چرا وعده صادق ۳ اجرا نمی‌شود؛ چرا آقای رئیس‌جمهور مخالف هستند. در آن جلسه سردار شهید باقری با آن فرد در این خصوص برخورد کرد و گفت چرا چنین چیزی مطرح می‌کنی و من مسئول دفاع از کشور هستم و آن لحظه که مطمئن شوم می‌توانم از کشور در برابر تبعات حمله وعده صادق ۳ دفاع کنم، کار خودم را انجام می‌دهم و من هنوز از آقای رئیس‌جمهور سؤال نکردم و ایشان از رئیس‌جمهور دفاع کامل کرد». عراقچی در ادامه به آغاز به کار دولت چهاردهم اشاره کرد و گفت: «وقتی شهید هنیه را ترور کردند، روز قبلش دکتر پزشکیان سوگند یاد کرده بودند ولی وزرا انتخاب نشده بودند. بنده هم یکی از گزینه‌ها برای وزارت خارجه بودم. همان روز عصرش حضرت آقا جلسه گذاشتند که معمولا وقتی مسائل مهمی پیش می‌آید، جلساتی را می‌گذارند که از من هم دعوت شد، افراد شورای عالی امنیت ملی و رئیس‌جمهور هم حضور داشتند». او ادامه داد: «در آن جلسه نظر همه بر این بود که باید پاسخ بدهیم ولی در بین سیاسیون و نظامیان اختلاف‌نظر درباره زمان و چگونگی وجود داشت. علت اصلی تردید در مورد زمانش اتفاقا از طرف نظامیان بیان شد. فرماندهان نظامی اعتقاد داشتند زمانی باید حمله انجام شود که ما مطمئن باشیم پس از حمله می‌توانیم از کشور دفاع کنیم. اختلاف‌نظر برحسب زمان و چگونگی حمله هم میان فرماندهان نظامی و هم سیاسیون وجود داشت. در آن جلسه قرار شد آمادگی‌های نظامی برای دفاع از کشور بعد از حمله اول پدید بیاید، بعد عملیات صورت بگیرد». او همچنین در بخشی از سخنانش گفت: «منطق برجام این بود که ایران درباره برنامه هسته‌ای خودش اعتمادسازی می‌کند و در مقابل تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای برداشته می‌شد. وقتی آمریکای ترامپ ابراز علاقه کرد که درخصوص برنامه هسته‌ای ما گفت‌وگو کند، ما هم گفتیم آماده‌ایم با همان منطق گفت‌وگو کنیم و اعلام کردیم اگر هدف مذاکره این است که ایران سراغ سلاح هسته‌ای نمی‌رود، ما آماده‌ایم. ما حاضر به اعتمادسازی هستیم ولی هیچ چیز را تعطیل نمی‌کنیم». او ادامه داد: «در مذاکره آنها برای همه چیز آمادگی نشان دادند ولی گفتند غنی‌سازی باید تعطیل شود. در مقابل ما کاملا ایستادگی کردیم. کشور واسطه و برخی دیگر راه‌حل‌های میانی مانند کنسرسیوم دادند. هیچ‌کدام کار نکرد و وقتی آنها به این نتیجه رسیدند که ایران در مذاکره کوتاه نمی‌آید سراغ گزینه نظامی رفتند».

کسی می‌تواند ادعا کند اگر مذاکره نمی‌کردیم، جنگ نمی‌شد

عراقچی در پاسخ به منتقدان مذاکرات هم گفت: «کسی می‌تواند ادعا کند اگر مذاکره نمی‌کردیم جنگ نمی‌شد؛ حتما می‌شد، بلکه زودتر هم ممکن بود جنگ بشود». او افزود: «وزارت خارجه کارش را به دستور مدیریت نظام انجام داده است. نظام تصمیم گرفت وارد مذاکره شود و وزارت خارجه مأمور این کار است. من معتقدم ما از انجام مذاکرات نه‌تنها ضرر نکردیم بلکه خیلی نفع بردیم، اینکه حقانیت ما را در نزد مردم ایران و جامعه بین‌الملل اثبات کرد». او در ادامه گفت: «چرا مردم در زمان جنگ این‌قدر متحد و منسجم بودند چون دیدند نظامشان برایشان همه کار کرده و کوتاهی نکرده در اینکه جلوی جنگ را بگیرد و پای مذاکره رفته و آن طرف بوده که اهل جنگ بوده است». او همچنین گفت: «وقتی تصمیم به مذاکره می‌شود همه کشور تصمیمی گرفته که باید اجرا شود. اینکه بگوییم وزارت خارجه یا سیاست خارجی فریب خورد، این درست نیست چون این تصمیم کشور بوده که این کار انجام شود». او افزود: «منطق ما کاملا قوی بود و نشانه‌اش هم این است که بیش از ۱۲۰ کشور از ما حمایت کردند و حمله به ایران را محکوم کردند». او همچنین در بخشی از سخنانش گفت: «دیپلماسی همیشه راه کم‌خطرتر و کم‌هزینه‌تر برای رسیدن به اهداف است و همیشه اولویت دارد. اسرائیل تمام تلاشش را می‌کند آمریکا وارد جنگ شود و وقتی آمریکا جنگ بشود موشک‌های ما به خاک آمریکا نمی‌رسد، تعبیری که برای برخی سران منطقه به کار بردم، الحمدلله به اندازه کافی آمریکایی‌ها پایگاه در منطقه دارند که متأسفانه در خاک شماست که مجبوریم آنها را بزنیم».

شکاف سیاسی یا بازی رسانه‌ای؛ تحلیل هشتگ و روایت‌های پساانتخاباتی در یک‌سالگی دولت پزشکیان

شکاف یا ترفند وحدت‌شکن؟

داوود حشمتی: در سیاست ایران، کنایه‌ها از خود صراحت گویاتر هستند. گاهی یک هشتگ، بیشتر از یک بیانیه رسمی حرف برای گفتن دارد. روزی که عبدالله گنجی با طعنه‌ای در قالب یک توییت نوشت «#عبور_از_پزشکیان ظاهرا زودتر از عبور از خاتمی کلید می‌خورد»، توجهات به لایه زیرین آن جلب شد. این هشتگ، تنها یک شوخی سیاسی نبود؛ آغازی بود بر روایتی حساب‌شده و هدفمند برای القای یک جدایی، یک شکاف، یک فروپاشی. همان روز، رجانیوز همان گزاره را به زبان خود بازنویسی کرد؛ با شواهدی که از سخنان جواد امام (سخنگوی جبهه اصلاحات)، عباس عبدی (روزنامه‌نگار) و علی‌اصغر شفیعیان (مدیر انصاف‌نیوز) چیده شده بود، قطعات پازلی به نمایش درآمد که در ظاهر قرار بود از اختلافات درون جبهه اصلاحات پرده بردارد، اما هدف نهایی‌اش فراتر بود: القای این ایده که «پزشکیان تنهاست» و حامیانش دیگر باور خود را به او از دست داده‌اند.

هم‌زمان، روزنامه جوان هم با قلم سردبیر خود نوشت: «برخی فعالان سیاسی یا سران احزاب در روز چهلم جنگی که به یک انسجام ملی بی‌نظیر بدل شد، ساز عبور از پزشکیان کوک کرده‌اند!».

این مدل روایت‌سازی مسبوق به سابقه است. اصلاح‌طلبان پیش‌تر در دوره خاتمی و حتی در دولت روحانی با همین پروژه مواجه شدند. همان زمان هم تلاش شد تا بدنه سیاسی اصلاحات را مسئول ناکامی دولت معرفی کنند و برچسب بی‌عملی را به کل جریان بچسبانند. اما تجربه آن دوران نشان داد که این ترفند، بیشتر به تقویت انسجام درونی اصلاح‌طلبان منجر می‌شود تا شکاف. دلیلش هم روشن است؛ نه پزشکیان آن‌قدر متأثر از فشارهای رسانه‌ای است که خط‌مشی خود را عوض کند و نه جریان اصلاحات آن‌قدر خام است که باز هم اشتباه دولت روحانی را تکرار کند و در میانه کار از میانه میدان عقب بنشیند. اما این به آن معنا نیست که فضای سیاسی ایران، فضای بی‌تلاطمی است. حالا یک سال بعد از انتخاب مسعود پزشکیان و در یک‌سالی که پر از حوادث ریز و درشت داخلی و بین‌المللی بود، باید به بازخوانی همان انتخابات از زاویه دیگری هم پرداخت.

یک سال پس از انتخابات ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان و در حالی که سالگرد دولت چهاردهم با جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل هم‌زمان شد، فرصت بازخوانی آن انتخابات مهم تا حد زیادی به حاشیه رفت. بااین‌حال، اهمیت انتخابات ۱۴۰۳ نه به دلیل پیروزی یک فرد، بلکه از آن‌رو بود که تعارضات میان نیروهای سیاسی حاضر در ساختار قدرت را عریان کرد.

در شرایط کنونی ایران، نمی‌توان انتظار برگزاری یک انتخابات آزاد به معنای کلاسیک آن را داشت؛ جایی که همه گرایش‌های اجتماعی امکان نمایندگی و رقابت واقعی داشته باشند. ما در چارچوب نظریه «نظم دسترسی محدود» قرار داریم؛ مدلی که در آن رقابت‌ها اگرچه در ظاهر وجود دارد، اما قواعد بازی توسط نیروهای مستقر در سیستم تنظیم می‌شود. بااین‌حال، حتی در چنین نظمی، برخی انتخابات‌ها می‌توانند پیش‌برنده و اثرگذار باشند، به شرط آنکه موازنه قوا میان نیروهای درون ساختار را بازتاب دهند.

مشتاق حسین‌خان، نظریه‌پرداز توسعه سیاسی نیز درباره کشورهایی با نظم دسترسی محدود، همچون بنگلادش، بر همین نکته تأکید می‌کند و معتقد است: «انتخابات‌هایی موفق محسوب می‌شوند که بتوانند تعارضات قدرت را در درون سیستم به نمایش بگذارند، فارغ از اینکه به صورت آزاد برگزار می‌شوند یا نه».

با همین نگاه، انتخابات ۱۴۰۳ را باید صحنه رویارویی چهار جریان حاضر در قدرت سیاسی ایران قلمداد کرد؛ انتخاباتی که توانست این رویارویی را به‌طور علنی به صحنه بیاورد.

۱. تحریمی‌ها

این گروه فاقد حضور رسمی در ساختار سیاسی‌اند، اما با کنش جمعی، حتی از طریق رأی‌ندادن، وزنی اجتماعی ایجاد کرده‌اند. در انتخابات ۱۴۰۳، بخش درخور توجهی از آنها برخلاف دوره‌های قبل به میدان آمدند و در دور اول و دوم، به ترتیب با مشارکتی حدود ۶۰ و ۵۰درصدی، خود را در صحنه تثبیت کردند.

۲. جریان چنارها (اصولگرایان سنتی)

اصولگرایانی که در این انتخابات، محمدباقر قالیباف نمایندگی‌شان را بر عهده داشت. او سال‌ها کوشید از سایه پدرخوانده‌های اصولگرا خارج شود و حتی در سال ۹۶ ایده «نواصولگرایی» را مطرح کرد. اما در عمل، دوباره در این جریان ادغام شد و از انتخابات یازدهم مجلس (۱۳۹۸) به یکی از چهره‌های اصلی جریان اصولگرایی و نماینده ساختار قدرت بدل شد. پایگاه قدرت این جریان در حکومت، قدیمی و مستحکم است، با توان سازماندهی بالا. اما بدنه اجتماعی آن، از سال ۱۳۸۴ که از احمدی‌نژاد حمایت کرد تا امروز، بارها دچار شکاف و واگرایی شده است.

۳. پاجوش‌ها

جریانی که در دهه ۸۰ با حمایت از احمدی‌نژاد سر برآورد، اما پس از خانه‌نشینی و قهر ۱۱روزه از او جدا شد. این جریان از سال ۱۳۹۶ با ابراهیم رئیسی پیوند خورد و در دولت سیزدهم به یکی از محکم‌ترین بازوهای اجرائی بدل شد. این جریان به‌تدریج آن‌قدر قدرت گرفت که در انتخابات مجلس دوازدهم، به‌ویژه در تهران، توانست فهرست اصولگرایان سنتی را کنار بزند و اکثریت را از آن خود کند. پاجوش‌ها در این انتخابات گرد سعید جلیلی جمع شدند و تا روز آخر هم اجازه ندادند وحدت میان او و قالیباف (وحدت با اصولگرایان سنتی و چنارها) رقم بخورد.

۴. اصلاح‌طلبان

اما اصلاح‌طلبانِ امروز دیگر همان اصلاح‌طلبان سال ۱۳۷۶ نیستند. از ۱۳۷۸ به بعد، با فشارهای مختلف، توقیف مطبوعات و محدودشدن نیروهای جوان، به‌تدریج عقب نشستند. از ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰ با فراز و فرودهای متعدد، بخشی از آنها در انتخابات مشارکت کردند و بخشی دیگر به سمت کنش‌های اعتراضی یا سکوت رفتند. در انتخابات ۱۴۰۰، بخشی از بدنه اصلاح‌طلبان که هنوز به تغییر از مسیر صندوق رأی اعتقاد داشت، تصمیم گرفت مشارکت کند. از دل همین گرایش، افرادی باقی مانده‌اند که همچنان معتقدند باید برای اصلاح، حضور داشت و حمایت کرد.

در کنار تحریمی‌ها، همین بدنه اجتماعی ۶۰درصدی که گاه در انتخابات حضور دارد و گاه غایب است، امروز یکی از عوامل تعیین‌کننده در معادلات سیاسی است.

انتخابات ۱۴۰۰ از همین رو انتخابات مهمی بود که توانسته بود صرف نظر از نتیجه و حتی آزادبودن مشارکت برای همه افراد و گرایش‌های سیاسی، تعارضات میان این جریان‌ها را نمایان کند. در این میان، کمترین تضاد و اصطکاک میان جریان اصلاح‌طلبان و تحریمی‌ها اتفاق افتاد. اگرچه شاهد برخی اظهارنظرها در فضای مجازی در این خصوص بودیم، اما هرگز زدوخوردهایی را که میان جریان جلیلی و قالیباف در انتخابات رقم خورد، در طرف دیگر شاهد نبودیم. حالا در این وضعیت جریان اصولگرا (اعم از پاجوش‌ها و چنارها) تصور می‌کنند با ایجاد شکاف میان پزشکیان و جریان اصلاحات می‌توانند دولت را آسیب‌پذیرتر کنند. اما خط‌مشی پزشکیان نشان می‌دهد تمایلی به واردشدن به این فضاها ندارد. با این وجود، در صورتی که برخی افراد که به نزدیک‌بودن به رئیس‌جمهور مشهور شده‌اند، مراقبت نکنند، می‌توانند ناخواسته جدول مخالفان دولت را پر کنند.

آنچه دولت به آن نیاز دارد و برایش تلاش کرده، ایجاد وفاق حتی با جریان مخالف که در انتخابات مقابل او ایستادند، است. در چنین شرایطی فشار به اصلاح‌طلبان برای تقابل با دولت همان چیزی است که جریان شکست‌خورده در انتخابات آن را می‌خواهد؛ آن‌هم در شرایطی که بعد از جنگ ۱۲روزه، فضای وحدت ملی بیشتر قوت گرفته است. گویی هر زمان مردم حول محوری گرد می‌آیند، جریانی به دنبال شقه‌شقه‌کردن آنهاست. این روش را باید شناخت و در مورد آن بسیار حساس بود.

«شرق» از جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای همسایگان گزارش می‌دهد

تقابل منافع در قفقاز؛ ایران، جمهوری آذربایجان و بازیگران تازه‌وارد

مالک مصدق: پس از حمله هماهنگ اسرائیل و ایالات متحده به خاک ایران در ژوئن ۲۰۲۵ و پاسخ موشکی کوبنده جمهوری اسلامی، منطقه در وضعیت پساجنگی قرار گرفته که به‌طور بالقوه می‌تواند نظم ژئوپلیتیک قفقاز را بازتعریف کند. در این فضا، تحرکات دیپلماتیک کشورهای منطقه، به‌ویژه جمهوری آذربایجان، از جهات مختلف درخور توجه است. در این میان، تماس تلفنی اخیر بین «حکمت حاجی‌اف» دستیار رئیس‌جمهور آذربایجان با معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، حاکی از نوعی موازنه‌سازی میان مواضع باکو در برابر تحولات منطقه‌ای است. جمهوری آذربایجان ضمن تسلیت و محکوم‌کردن تجاوز اسرائیل به خاک ایران، بر اجرای توافقات میان رؤسای جمهور دو کشور و تسهیل سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران به باکو تأکید کرده است. اما این دیپلماسی آرام، در سایه تحرکات استراتژیک پرمناقشه‌ای همچون «کریدور زنگزور» در حال وقوع است؛ طرحی که با هدف اتصال مستقیم نخجوان به جمهوری آذربایجان از طریق جنوب ارمنستان، ماهیت ژئوپلیتیک منطقه را به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. نشریه روسی ایزوستیا خبر داد که ارمنستان، جمهوری آذربایجان و ایالات متحده احتمالا بر سر یادداشت تفاهمی درباره ایجاد «دالان زنگزور» به توافق رسیده‌اند؛ دالانی که در این سند از آن با عنوان «پل ترامپ» یاد شده است.

این خبر را روز ۲۳ جولای، نشریه اسپانیایی Periodista Digital به نقل از منابع خود منتشر کرد. هرچند شاهد تکذیب ایروان بوده‌ایم، اما چنین به نظر می‌رسد که هم‌زمان با سکوت نسبی روسیه و تضعیف تمرکز ایران در پی حملات اخیر، بازیگران غربی و مشخصا ایالات متحده با طرح ادعایی «پل ترامپ» در تلاش‌اند از این خلأ راهبردی برای بازآرایی ساختارهای نفوذ خود در قفقاز استفاده کنند.

زنگزور؛ راهبرد یا دام ژئوپلیتیک؟

در شرایطی که مسکو به‌شدت درگیر جنگ اوکراین شده است و تهران هم تمرکزش را روی مذاکرات هسته‌ای، فعال‌نشدن مکانیسم ماشه و نیز احیای توان نظامی بعد از تجاوز اسرائیل و آمریکا گذاشته، پروژه ادعایی «کریدور زنگزور» بار دیگر از سوی الهام علی‌اف و هم‌پیمانان منطقه‌ای او، به‌ویژه ترکیه، مورد تأکید قرار گرفته است. علی‌اف به‌صراحت اعلام کرده که ساخت بخش آذربایجانی راه‌آهن این کریدور تا بهار سال آینده میلادی به پایان خواهد رسید. اردوغان نیز خواستار اجماع میان باکو، ایروان و آنکارا درخصوص این پروژه شده و آن را طرحی «بسیار مهم» توصیف کرده است. در مقابل، روزنامه کامرسانت روسیه نوشت که دولت ارمنستان انتشار گزارش‌هایی مبنی بر توافق با باکو و واشنگتن درباره پروژه ایجاد دالان حمل‌ونقل را «نمونه‌ای دیگر از جنگ ترکیبی و تبلیغات» خواند. دیمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ ریاست‌جمهوری روسیه نیز روز پنجشنبه گفت «کریدور زنگزور» یک موضوع مرتبط با حاکمیت جمهوری آذربایجان و ارمنستان است. پیش از این «توماس باراک» سفیر ایالات متحده در ترکیه ادعا کرده بود آمریکا آماده است مدیریت این مسیر را که از جنوب ارمنستان می‌گذرد و جمهوری آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند، بر عهده بگیرد تا از این طریق گفت‌وگوها میان باکو و ایروان تسهیل شود. در واکنش به این اظهارات، «نازلی باغداساریان»، سخنگوی نخست‌وزیر ارمنستان، تأکید کرد که ایروان «هیچ‌گونه طرحی برای واگذاری کنترل بخشی از قلمرو خود به طرف ثالث ندارد». درحالی‌که جمهوری آذربایجان بر ایجاد این به‌اصطلاح کریدور اصرار دارد، ارمنستان اعلام کرده با بازگشایی مسیرها هیچ مشکلی ندارد، اما از حق حاکمیت خود کوتاه نخواهد آمد. از نگاه ایران، این طرح نه‌تنها به تغییر مرزهای ژئوپلیتیکی منجر می‌شود، بلکه احتمال استقرار بازیگران فرامنطقه‌ای همچون ناتو را در دروازه‌های شمالی ایران افزایش می‌دهد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، در نشست خبری دوشنبه هفته گذشته، موضع تهران را روشن و غیرقابل تغییر دانسته و تأکید کرد «گذرگاه‌ها و معابر نباید خدشه‌ای به تمامیت سرزمینی کشورهای منطقه وارد کند یا مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی را دستخوش تغییر کند».

طیفی از ناظران معتقدند پشت این موضع‌گیری، نگرانی عمیقی از تکرار سناریویی شبیه به اوکراین در فضای پیرامونی ایران نهفته است؛ طرحی که برخی کارشناسان آمریکایی در قالب پروژه «آلترناتیو اوکراین» مطرح کرده‌اند و هدف آن استقرار یک دیوار نظامی متشکل از نیروهای ناتو در شمال ایران است.

روایت ژئوپلیتیک زنگزور، تهدید وحدت ملی ایران

در پیوست آنچه گفته شد، علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل، طی پیامی به مناسبت آیین نکوداشت شیخ صفی‌الدین اردبیلی، به‌شدت نسبت به تبعات طرح «دالان زنگزور» هشدار داد. او این طرح را تهدیدی علیه «وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران» خواند و از مردم آذربایجان خواست در برابر این توطئه‌ها هوشیار باشند. در بخشی از پیام تأمل‌برانگیز ولایتی آمده است که «در سال‌های اخیر، برخی کشورها تلاش کرده‌اند با بهانه‌هایی همچون ایجاد دالان اقتصادی، ساختار بومی مردم آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل را دستخوش ناامنی کنند... اما هدف اصلی این طرح‌ها، فراهم‌سازی بستر نفوذ ناتو به قفقاز جنوبی، دریای خزر و آسیای مرکزی است».

این هشدار مشاور مقام معظم رهبری، در فضایی مطرح می‌شود که ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند انسجام داخلی در برابر فشارهای خارجی است. ولایتی با اشاره به وحدت اقوام ایرانی، از تلاش بیگانگان برای نفوذ در لایه‌های قومی کشور پرده برداشت و نقش آذربایجان در صیانت از هویت ملی ایران را تاریخی و ممتاز توصیف کرد.

نبردهای خاموش در پس نبردها

در نگاهی کلی، جنگ ۱۲روزه اسرائیل و آمریکا علیه ایران، نه‌تنها نتیجه‌ای راهبردی برای مهاجمان در بر نداشت، بلکه فضا را برای ورود بازیگران دیگر، از آذربایجان تا ترکیه و حتی ایالات متحده باز کرد. هم‌زمان، تلاش‌هایی برای ایجاد نظم ژئوپلیتیک جدید در قفقاز جنوبی در جریان است که اگر بی‌پاسخ بماند، می‌تواند به انزوای تدریجی ایران از منطقه پیرامونی خود بینجامد. طرح‌هایی مانند «کریدور زنگزور» یا «پل ترامپ» در ظاهر، مسیرهای اقتصادی هستند اما در باطن، ابزارهایی برای تغییر موازنه قدرت و مرزهای نرم نفوذ کشورها محسوب می‌شوند. در این میان، ایران نیازمند حفظ انسجام ملی، هوشیاری ژئوپلیتیک و تقویت بازوهای دیپلماتیک خود است، نه‌فقط در برابر اسرائیل و آمریکا، بلکه در برابر جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای همسایگان که می‌تواند به مراتب خطرناک‌تر و پایدارتر از یک جنگ کوتاه‌مدت باشد.

موضع‌گیری او، پیوندی روشن با تهدیدات ژئوپلیتیک پس از جنگ ۱۲روزه دارد؛ تهدیداتی که اکنون فراتر از میدان نبرد نظامی، در قالب بازطراحی مرزها، کریدورها و خطوط نفوذ منطقه‌ای به‌ویژه در منطقه قفقاز در حال رخ‌نمایی است.

سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION

«خلاصه آگهی عرضه عمومی» نوبت دوم – اصلاحیه

سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد در اجرای مصوبه هیئت واگذاری و سایر قوانین و مقررات مربوطه، موارد قابل واگذاری به شرح جداول زیر را از طریق **مزایده عمومی** عرضه و واگذار نماید. ضمناً نسخ تکمیلی این آگهی، در پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی‌سازی به نشانی www.ipo.ir (قسمت آگهی‌های عرضه اصل ۴۴) در دسترس می‌باشد.

قابل توجه: عرضه سهام شرکت تولیدی و صنعتی جامکو (منتشره در نوبت اول آگهی روزنامه‌های شرق و آرمان ملی مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰) لغو گردیده است.

نام شرکت	میزان سهام قابل عرضه				ارزش پایه کل(ریال)	شرایط تسویه ثمن معامله			تاریخ برگزاری مزایده
	تعداد سهام بلوکی	* تعداد سهام ترجیحی	تعداد کل سهام	درصد کل		درصد حصه نقدی	تعداد اقساط	فاصله اقساط (ماه)	
پالایش نفت آناهیتا	۱،۲۵۵،۹۰۷،۱۴۱	۶۶،۱۰۰،۳۷۵	۱،۳۲۲،۰۰۷،۵۱۶	۲۰	۵،۵۴۱،۸۵۵،۵۰۷،۰۷۲	۷۵	۲	۶	۱۴۰۴/۰۵/۱۹

* شرایط و جزئیات نحوه واگذاری سهام ترجیحی از جمله مهلت ارسال درخواست علاوه بر مکاتبه با شرکت، از طریق پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی سازی و «سامانه سهام ترجیحی» به اطلاع مشمولین خواهد رسید.

ردیف	نام دارایی	نشانی	مساحت (متر مربع)		ارزش پایه کل (ریال)	شرایط تسویه ثمن معامله			تاریخ برگزاری مزایده
			عرصه	اعیان		درصد حصه نقدی	تعداد اقساط	فاصله اقساط (ماه)	
۱	زمین محصور کوهدشت	استان لرستان، کیلومتر ۳ جاده کوهدشت- زانوگه	۲۵،۳۱۰/۹۷	۹۰	۳۵۳،۴۳۱،۶۴۰،۰۰۰	۵۰	۲	۶	۱۴۰۴/۰۵/۱۹
۲	تعداد ۴ واحد آپارتمان (خانه سازمانی) ستارخان تهران - به صورت یکجا	تهران، خیابان ستارخان، خیابان شهید شیخ مرادی، پلاک آبی ۱۸	۱۶۹	مندرج در نسخه تکمیلی آگهی	۲۸۳،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۵۰	۱	۶	

شناسه آگهی ۱۹۶۸۲۱۷ م الف ۱۴۱۷